

کارگر سوسياليست

۹۸

سال یازدهم، دوره دوم نشریه اتحادیه سوسياليست‌های انقلابی ایران ۱۲ فروردین ۱۳۸۰ اپوند

در باره «تحریم انتخابات»

م. رازی

Razi@kargar.org

یکی از خصوصیات بارز سازمان‌ها، گروهها و احزاب «چپ» خارج از کشور این است که به نیابت از طبقه کارگر ایران خود را موظف می‌دانند که برای کارگران «خط» و «مشی» تعیین کنند. اگر به «اطلاعیه» های صادره از سوی رهبری این گروها توجه شود، می‌توان مشاهده کرد که اکثرشان به صورت سیستماتیک به محض کسب خبر و اطلاعی (عمدتاً از روزنامه‌های رسمی دولتی) به «محکومیت» رژیم و «حمایت» مردم برخواسته و بالاصله شعار «خط دار» را مبنی بر اینکه «کارگران باید در مقابل رژیم ایستادگی کنند» و یا «رژیم را سرنگون کنند» را سر می‌دهند. در دوره انتخابات نیز (اگر توهمی نسبت به هیئت حاکم یا بخشی از آن نداشته باشند) عموماً شعار «انتخابات تحریم باید گردد!» را طرح می‌کنند. این روزها نیز با نزدیک شدن انتخابات ریاست جمهوری مجددًا بازار شعارهای «تحریم» یا «تحریم فعال» انتخابات گرم شده است. این شکل از طرح شعارها، دو ایراد عمدۀ دارد. نه مخاطبان شعارها روشن هستند و نه چگونگی آماده سازی کارگران برای تحقق آن شعارها.

بقیه در صفحه ۳

«انتخابات» بی ارتباط!

م. رازی

انتخابات ریاست جمهوری (۱۸ خرداد ۱۳۸۰) بار دیگر به مرکز توجه باندۀ هیئت حاکم و بخش عمدۀ اپوزیسیون مبدل گشته است. ظاهراً قرار است همه مردم ایران بار دیگر سرنوشت خود را با انتخابات رئیس جمهور نوین قلم بزنند! قرار است مسائل رو به بهبود روندا قرار است اصلاح طلبان از چهار سال گذشته درس‌های ضروری را گرفته و «گام»‌های «مؤثر» تری به پیش بردارند! قرار است «جامعه مدنی» بالآخره اینبار تحقق یابد! اینها سناریوهایی است که طرفداران «اصلاحات» در میان مردم تبلیغ می‌کنند. اما، آیا کارگران و زحمتکشان و قشرهای وسیع تحت ستم جامعه ایران نیز همین اعتقادات را دارند؟ پاسخ محققًا منفی است! توهم‌ها نسبت به خاتمی و کل جریان اصلاحات از هم گسسته است. این نمایش نوین دیگر خردباری ندارد. این سخنان واهمی از اعتبار ساقط شده‌اند. حتی طرفداران فریب خورده و فرصت طلب «اصلاحات»، مانند سوسيال دمکرات‌های تازه به دورن رسیده، که چهار سال پیش تصور می‌کردند به کشف نوینی دست یافته و خواب و خیال «جامعه مدنی» به سبک سرمایه داری غربی را در سر می‌پروراندند، دیگر به چنین روندی اعتقاد ندارند. همه شرمسار از مواضع اشتباهشان سرهایشان را به زیر انداخته و زیر لب به هذیان گویی پرداخته اند. نشرياتشان سخن از به «بن بستن» رسیدن اصلاحات به میان می‌آوردا

آیا واقعاً انتخابات ریاست جمهوری آتی ارتباطی به مسائل کنونی جامعه دارد؟ خیرا

بقیه در صفحه ۲

کارنامه‌ی «سوسياليست‌های انقلابی ایران»

صفحه ۵

صفحه ۴ رئیس جمهور آمریکا

صفحه ۶ تفسیر هفته: رادیو روشنگران

دفترهای دخل و خرج را باز کنید!

بانک مرکزی و دولت هموار اعلام کرده است که وضعیت اقتصادی وخیم بوده و درآمد حاصله از فروش نفت کفاف بهبود اوضاع اقتصادی را نمی دهد. اصلاح طلبان استدلال می کنند که تنها با روش «آرامش فعال» و شرکت در انتخابات و انتخاب یک فرد صالح (نظیر خاتمی) می توان به بهبود اقتصادی دست یافت. شرکت فعال در انتخابات و مبارزه برای اصلاحات زمانی چهره واقعی به خود می گیرد، که کارگران ایران در مورد کلیه مسائل اقتصادی آگاه باشند. پاسخ کارگران به سرمداران رژیم اینست که «دفترهای دخل و خرج را باز کنید!» تا تمام مردم ایران بینند که درآمد و خرجهای رژیم در چهار سال پیش (دوره ریاست جمهوری خاتمی) چگونه بوده است.

عباس کرباسیان اخیراً اعلام کرد که درآمد غیر نفتی ایران در سال پیش $\frac{۶}{۳}$ میلیون دلار بوده و همچنین طبق اظهارات وزیر نفت، بیژن زنگنه، درآمد افزونه حاصل از فروش نفت ۶ میلیارد دلار بوده است (همین رقم از سوی نوبخش رئیس بانک مرکزی ۷ تا ۸ میلیارد دلار برآورد شده است). پرسیدنی است که مصوبه مجلس مبنی بر اینکه آقای خاتمی می بایستی نیمی از درآمد افزونه را صرف حل مسئله بیکاری کند، به کجا انجامید؟ کارگران ایران چگونه می توانند در انتخابات آتی شرکت کنند اگر رئیس جمهور «منتخب»، قادر به انجام قول و قرارهای خود نباشد؟ در انتخابات پیش، مردم بین «بد» و «بدتر» برای دسترسی به حتی روزنامه ای کوچک برای مبارزاتشان، انتخاب کردند. به علاوه این افزونه درآمدها صرف چه طرح هایی شده است؟ خرید سلاح برای سرکوب تظاهرات و اعتراض های مردمی؟ پر کردن جیب های «آقازاده ها»؟ یا سازندگی اقتصادی؟

سالهای است که بنیادهای به اصطلاح مستضعفین، ۱۵ خرداد، علوی و غیره که قرار بود با املاک مصادره ای مخارج مردم را تأمین کنند مانند بختکی بر روی مردم افتاده اند. یکی از مطالبات کارگران در دوره انتخاباتی، می تواند تشکیل یک کمیسیون کارگری برای رسیدگی به دخل و خرج این بنیادها باشد. اگر رژیم ادعا دارد که درآمد حاصله توسط بنیادهای مذکور در راستای کمک رسانی به کارگران و زحمتکشان (مستضعفین) بوده است، چه باکی از علني کردن حساب و کتابهای آن بنیادها به دل راه باید دهد؟ شرکت در انتخابات ریاست جمهوری دولتی

انتخابات بی ارتباط

از صفحه ۱

مسایل کارگران، زنان و جوانان و قشرهای تحت ستم جامعه کوچکترین ارتباطی به انتخابات آتی ندارد. در طی چهار سال پیش نه تنها کوچکترین بهبودی در وضعیت آنها به وجود نیامده که وضعشان وخیم تر نیز گشته است. کارگران ایران و متحداشان دیگر نمی توانند در انتظار تغییرات از طریق باندهای هیئت حاکم مانده و در زمین دشمن به بازی ادامه دهند. کارگران با اتکا به نیروی خود برای احراق مطالبات خود اقدام کرده و زمین بازی را تعییر داده اند. مطالبات کارگران با سیاستهای انتخاباتی سرمداران رژیم متفاوت هستند.

کارنامه چهار سال ریاست جمهوری باید ارائه داده شود!

اصلاح طلبان و مدافعان آنها از کارگران می خواهند که در انتخابات ریاست جمهوری شرکت فعال داشته باشند تا سرنوشت خود را بدین ترتیب رقم زنند. پاسخ کارگران اینست که «کارنامه چهار سال عملکرد خود را ارائه دهیدا» کارگران و زحمتکشان، زنان و جوانان ایران که در انتخابات ۲ خرداد ۱۳۷۶ به خاتمی رأی دادند؛ چگونه می توانند مجدداً در انتخابات شرکت داشته باشند، اگر قرار است که کارنامه عملکرد چهار ساله دولت و آقای خاتمی به صورت علنی در رسانه های عمومی ارائه داده نشود؟ چرا مردم ایران نمی توانند در مورد اقدامات سیاسی و اقتصادی رژیم مطلع باشند؟ مگر مردم ایران قابلیت درک مسائل را ندارند که آنها را در جریان امور نمی گذارند؟

مردم ایران دیگر نمی توانند با شرکت در انتخابات، مجوز سرکوب خود را به انصار حزب الله بدهندا چه اقدامات مشخصی اصلاح طلبان برای جلوگیری از قتل و عام ها و دستگیری ها و سرکوب انجام داده اند؟ هیچ آنها اقدامات اقتصادی و سیاسی و عده داده شده اجرا نشده بلکه خسارتهای واردہ بر آزادهای سیاسی مردم به مراتب بیشتر از دوره پیش از آن بوده است.

کارنامه چهار سال عملکرد دولت خاتمی خالی از محبت و بی ارزش بوده است. اصلاح طلبان عمرشان به سر آمده و انتخابات آتی نیز همراه با آنها به خاک سپرده خواهد شد.

که ميليونها تoman از پولهای مردم را حيف و ميل کرده و حاضر به
پاسخگویی نیست، غير اصولی است!

مخاطبان گروههای «چپ» چه کسانی اند؟

از صفحه ۱

به زعم گروهها و احزاب سیاسی «چپ» که نقش «رهبری کننده» طبقه کارگر را برای خود قایل شده اند، کارگران ایران افراد «نا آگاه»، «نادان»، «از رمک افتاده» و «بدبخت و مغلوك» متصور می شوند که نیاز به «ناجی» و «قييم» دارند. بر اساس اين قبيل استدلالها، آنها لازم می دانند که برای کارگران تعیین تکلیف کنند. زیرا به ذم آنها که خود را «عنصر آگاه» طبقه کارگر می پنداشند، باید يك گام از طبقه جلوتر بوده و کارگران «از رمک افتاده» را «دلشاد» و «دلگرم» کنند!

بدیهی است که اين قبيل برخوردارها همه ناشی از عدم درک صحیح از موقعیت کارگران و پیشروی کارگری در ایران و همچنین عدم ارزیابی از وضعیت سیاسی خود این گروههای است. این گروهها نه تنها درک درستی از موقعیت خود ندارند بلکه شناخت کافی نیز از ماهیت پیشروی کارگری ندارند. کارگران پیشرو به مراتب «آگاه» تر از کل سازمانهای خارج کشور هستند و محققًا نیازی به «خط» گیری ندارند، به ویژه از جانب افرادی که خود از هیچ پایه کارگری برخوردار نبوده و کوچکترین دخالت در جنبش کارگری طی دو دهه گذشته نداشته اند. کارگران پیشرو خود نقداً به ماهیت رژیم پی برده و محققًا ضرورت «تحریم انتخابات» را نیز درک می کنند. چطور ممکن است کارگران پیشروی که امروز در اغلب کارخانه ها در مقابل رژیم قرار گرفته اند؛ به ضرورت شعار «تحریم انتخابات» پی نبرده باشند؟ چگونه ممکن است جوانانی که به صورت روزمره با انصار حزب الله در حال درگیری فیزیکی اند، به ماهیت سازشکارانه خاتمی (و اصلاح طلبان) پی نبرده باشند و در مورد تحریم انتخابات آگاه نباشند؟ بدیهی است که مسایل امروز پیشروی کارگری این قibil نکات نیست. گروههایی که به تکرار این نکات دامن می زنند، تنها نشان می دهند که مخاطبان خود را «عوضی» گرفته اند. این قibil تبلیغات تنها به درد تسکین وجودان های ملتهد اعضا و طرفداران «نا آگاه» خود احزاب خارج از کشور می توانند بخورد و بس!

ایجاد تشکل های مستقل کارگران

کارگران برای شرکت در انتخابات نیاز به تشکل های مستقل خود دارند. کارگران باید از طریق تشکیل تجمع و جلسات به کارنامه ریاست جمهوری در دوره پیش رسیدگی کرده و مطالبات و سیاستهای آتی خود را به صورت جمعی اتخاذ کرده و بر اساس آن در مورد شرکت در انتخابات موضع بگیرند. اگر رژیم به ایجاد تشکل های مستقل کارگران تن در ندهد، انتخابات بی ارتباط به مسایل آنها قلمداد می شود. کارگران ایران باید از حق اعتراض، تجمع، مطبوعات و بیان برخوردار باشند. بدون ایجاد تشکل های مستقل کارگری هیچ يك از این مطالبات قابل تحقق نخواهد بود. رعایت حقوق اولیه دمکراتیک کارگران تنها راه ضمانت اجرای سیاستهای آنهاست. طی چهار سال پیش سردمداران رژیم در عمل نشان دادند که هیچ گامی بر نداشته و حتی قابلیت عمل به قول و قرارهای خود را ندارند. شرکت در انتخابات بدون داشتن تشکل های مستقل کارگری، کارگران را مجدداً به اسرای سرمایه داران مبدل خواهد کرد. دوباره دستمزدهای آنها پرداخت نخواهد شد و اخراجها و سیاستها و قوانین ضد کارگری اعمال خواهد شد.

کارگران طی چهار سال گذشته به ماهیت واقعی اصلاح طلبان پی برده اند. اخراج های بر رویه، عدم پرداخت دستمزدهای عقب افتاده، ارتعاب و دستگیری معترضان و تحمل قوانین قرون وسطایی «کار» و معرفی نهادهای دولتی تحت عنوان «خانه کارگر» به کارگران؛ همه از «دستآوردهای» ریاست جمهوری بوده اند.

اکنون در مقابل کارگران دو راه بیشتر نماینده است. یا تمکین به کل نظام سرمایه داری و سپردن سرنوشت خود به دست اصلاح طلبان و تداوم وضعیت موجود (یا بدتر) و یا مبارزه برای کسب استقلال از کل دولت سرمایه داری و بدست گرفتن سرنوشت خویش به اتکا به نیروی خود. تصمیم آن بر عهده خود کارگران است. عدم و یا شرکت در انتخابات نیز بر عهده خود آنهاست.

هفت فروردین هزار و سیصد و هشتاد

سال عملکرد دولت خاتمی ارائه باید گردد!»، در سطح سیاسی، مسئله قتل های زنجیره ای و دستگیری ها بی رویه و سرکوب ها را بر جسته کرده؛ و در سطح اقتصادی، بی برنامگی و بحران نظام را عربیان خواهد کرد. شعار «دفترهای دخل و خرج دولت باز باید گردد!»، زودبندهای رژیم با امپریالیزم و حیف و میل های «آقازاده ها» را افشا خواهد کرد. شعار ایجاد تشکل های مستقل کارگری و حق اعتراض، مبارزه در راستای براندازی رژیم را تسریع خواهد کرد. طرح شعار اعمال «کنترل کارگری»، کارگران را برای مدیریت کارگری و تشکیل حکومت کارگری آماده خواهد کرد.

کارگران تنها با مبارزه حول این مطالبات است که خود به ضرورت تحریم انتخابات نمایشی ریاست جمهوری دست خواهند یافت. اما این مطالبات تنها مرتبط به کارگران نیست بلکه کلیه قشرهای تحت ستم جامعه (زنان، جوانان و ملیتها) را می تواند در مقابل رژیم آماده مقاومت و مبارزه کند.

ده فوریه ۱۳۸۰ هزار و سیصد و هشتاد

قدم نامبارک رئیس جمهور جدید آمریکا به کاخ سفید

حدود دو ماه پیشتر از کار دولت جدید حزب جمهوریخواه نگذشته که تأثیر سیاستهای آن بر جامعه آمریکا و خصوصاً اقشار کم درآمد وطبقه کارگر آن باز شده است.

ابعاد سیاستهای ضد انسانی و ضد کارگری دولت بوش بحدی عمیق و وسیع است که جان سووینی، رئیس اتحادیه های کارگری سراسری که تشکیلاتی کاملاً بوروکراتیک بوده و همواره بعنوان میانجی در سرکوب جنبشها کارگری آمریکا نقش موثر داشته است، اینطور بصفا در آمده است: «بسیار روشن و واضح است که بوش از منافع ثروتمندانی که او را به کاخ سفید رساندند، حمایت می کند.» رئیس جمهوریخواه مجلس حمایت کرده، بلکه مستقیماً در اختلافات بین خدمه خط هوایی نورت وست ایر لاینر و مدیریت آن هم دلالت نموده و اعتراض آنان را غیرقانونی خوانده است.

علاوه بر نورت وست ایر لاین، خدمه چند خط هوایی دیگر نیز در نشستهای خود با مدیریت تهدید به اعتراض کرده اند. اما دست به نقدترین آنها در آغاز بهار، اعتراض خلبانان خط هوایی کام ایر می باشد. روز دوشنبه ۲۶ مارس بطوط کلی متوقف شد. ۱۳۰۰ خلبان به تظاهرات پرداخته و علیه قانون بازنشستگی دست به تظاهرات زدند.

چگونه کل طبقه کارگر به ضرورت تحریم انتخابات می تواند مقاعد شود؟

شعارها و دخالتگری پیشروی کارگری در درون طبقه کارگر تنها از طریق یافتن مسائل گرهی ای که امروز در کل طبقه کارگر طرح شده، می تواند صورت گیرد. دخالت در درون کارگران، تصنیعی و نا مرتبط به مسائل آنها نمی تواند باشد. باید از آگاهی کنونی طبقه کارگر آغاز کرد و با طرح یک سلسله شعارهای ملموس، طبقه کارگر را در عمل به ضرورت نفی سیاستهای رژیم مقاعده کرد. نمی توان برای طبقه کارگر «دستور عمل» صادر کرد. احزاب سیاسی تنها در کنار و نه فراسوی کارگران می توانند در میان آنان دخالت مؤثر داشته باشند. طبقه کارگر فقط از طریق مبارزه مشخص روزمره خود و بر بستر «آگاهی طبقاتی» خود می تواند به ضرورت تحریم انتخابات و یا نهایتاً براندازی رژیم پی ببرد.

پیشروی کارگری با در دست داشتن شعارهای «انتقالی» (شعارهایی که از آگاهی فعلی کارگران آغاز کرده و گام به گام آنها را به لزوم نفی سیاستهای رژیم سوق دهد) می تواند دخالتگری را به صورت مؤثر انجام دهد. برخی از شعارهای محوری امروز، از قرار زیرند:

- کارنامه چهار سال عملکرد دولت خاتمی ارائه باید گردد!
- دفترهای دخل و خرج دولت باز باید گردد!
- تشکل های مستقل کارگری ایجاد باید گردد!
- حق اعتراض به رسمیت باید شناخته شود!
- دستمزد کارگران باید مناسب با تورم افزایش یابد!
- کنترل کارگری در تولید و توزیع اعمال باید گردد!
- «قانون کار» کارگران تدوین باید گردد!
- اخراجهای کارگران قطع باید گردد!
- تمام حقوق عقب افتاده پرداخت باید گردد!

کارگران با مبارزه حول چنین شعارهایی، به ماهیت رژیم و به ویژه جناح اصلاح طلب آن پی برده و خواهند برد. زیرا هیچ بخشی از رژیم تن به چنین شعارهایی نداده و نخواهد داد. اجرای هر برخی از شعارهای بالا، بنیاد کل نظام سرمایه داری را در خطر نابودی قرار خواهد داد. برای نمونه شعار «کارنامه چهار

برای سرنگونی ساخته اند نمایندگان خود را برای حکومت جدید انتخاب خواهند کرد و این نمایندگان در مقابل این ساختارها مسئول و توسط آنها قابل عزل باید باشند. هم اکنون نطفه های این گونه ساختارها در مبارزات پدیدار شده است: کمیته هایی که در محلات فقیر نشین شهرها تشکیل شده و نقش سازماندهی مبارزات را به عهده گرفته، کمیته های اعتصاب کارگری که اعتصاب کارگری را سازمان داده اند و کمیته های هماهنگی که ما بین کمیته های اعتصاب ایجاد شده است، و دیگر ساختارهای خود سازماندهی توده ای - اینها آن ساختارهایی هستند که از طریق تعیین و تمرکز خود هم موفق به سرنگونی سلطنت خواهند شد. اینها تنها مرجعی هستند که حق تشکیل حکومت جدید را خواهند داشت. این حکومت اساساً یک حکومت کارگران و دهقانان است.... تنها با استقرار چنین حکومتی تشکیل مجلس مؤسسانی که، واقعاً بیانگر اراده توده های مبارز باشد. مجلس مؤسسانی که توده های تحت ستم و استثمار بتوانند خواستهای خود را در آن بیان کنند و راه حل اجتماعی مسایل را بازیابند.... مجلس مؤسسانی که بر اساس انتخابات واقعاً آزاد، با رأی مخفی بر بنای حق رأی همگانی انتخاب شده باشند ممکن خواهد بود. از این رو سوسياليستهای انقلابی سرنگونی سلطنت و بر قراری جمهوری، تشکیل مجلس مؤسسان و استقرار حکومت کارگران و دهقانان را حلقه های به هم پیوسته محور مبارزات کنونی می دانند. «بحran سرمایه داری، احتضار سلطنت پهلوی، کندوکاو شماره ویژه، آذر ۱۳۵۷).

پس از کنفرانس طرفداران کندوکاو، کنگره گروه تشکیل شد و بر اساس تحلیل گروه از اوضاع سیاسی ایران وجود امکانات لازم برای مداخله مستقیم در جنبش توده ای، پیشنهاد تدارک فوری برای انتقال کلیه اعضاء و هواداران گروه به ایران تصویب شد- در عرض چند هفته اکثر اعضای گروه به ایران رفتند. هیئت اجرائیه منتخب کنگره نیز موظف گردید که مذاکرات با سایر گرایشهای هم نظر را دنبال کند، و در صورت توافق برنامه ای، گامهای لازم را در جهت تشکیل یک سازمان واحد به دور یک نشریه مشترک بردارد.

ادame دارد

BM Kargar
London WC1N 3XX, UK
<http://www.kargar.org>

کارنامه‌ی

«سوسياليستهای انقلابی ایران»

م. رازی

بخش پنجم

آخرین کنگره گروه در خارج

در دوره قبل از قیام، بخصوص از اوائل سال ۱۳۵۶، تعدادی از اعضا ی گروه به ایران رفت و آمد کرده و ارتباطاتی با برخی افراد و محافل دانشجوئی و کارگری برقرار کردند. در آن سفرها نشریه کندوکاو و جزوای انتشارات طلیعه به ایران برد شد. نشریه کندوکاو در بعضی از شهرها بخصوص در مراکز دانشجوئی و دانشگاهها توزیع شد. برخی از جزوای در ایران تجدید چاپ شد و در اختیار کارگران و دانشجویان پیشرو قرار گرفت. در این زمان محفلی از طرفداران سابق فدائیان، مجاهدین و شریعتی با گروه ارتباط برقرار کردند. آن محفل که پس از یک دوره مبارزات علیه رژیم شاه، آشنایی با نظرات تروتسکی طرفدار نشریه کندوکاو شده بود. مذاکرتی در جهت آغاز کار مشترک، تشکیل گروه نوینی حول یک نشریه مشترک آغاز کرد. آن مذاکرات تا سرنگونی شاه ادامه داشت.

در اروپا، چند ماه قبل از قیام، کنفرانسی از طرفداران نشریه کندوکاو با شرکت اکثر اعضاء و هواداران از اروپا و آمریکا و خاور نزدیک، در لندن برگزار شد. کنفرانس تحت عنوان «هفته کندوکاو» به جمع بندی نظریات گروه طی چند سال فعالیت پرداخت. بعثایی در باره مفهوم امپریالیزم، سرمایه داری ایران، مسئله ای ارضی و ماهیت طبقاتی دولت ایران تحولات جنبش کارگری، مبارزات زنان، ملیتهای تحت ستم و مبارزه برای دمکراسی در این تجمع صورت گرفت. نظریات سیاسی گروه در مورد اوضاع پس از سرنگونی سلطنت و وظایف انقلابیون در ایران چنین فرموله شد:

«به نظر ما انتخاب حکومت پس از سرنگونی سلطنت تنها حق توده هایی است که سلطنت را سرنگون کرده اند. توده های مبارز از طریق همان ساختارهای مبارزاتی که در طی مبارزات خود

حرکت در حدود ۴ ساعت به طول انجامید و پس از آن مردم با قول و قرارهای برای اعتراض بعدی، محل را ترک کردند. بدنبال بازگشت مردم به خانه هایشان دستگیرها در ابعاد وسیعی آغاز شد. در مرحله اول، ۲۲ نفر از معترضان لامردی با حمله های وحشیانه‌ی شبانه نیروهای سرکوبگر رژیم به خانه هایشان دستگیر و به ناطق نامعلومی انتقال داده شدند. صدری نژاد جانشین ریس دادگستری لامرد گفت: اگر اتهام دستگیرشدگان مصدقاق مبارزه و مقابله با نظام جمهوری اسلامی باشد این متهمنین مجازات (اعدام) خواهد شد.

اعتراضات مردم لامرد در پنج شنبه (۹ فروردین) نیز با تachsen در مقابل خانه امام جمعه این شهر ادامه یافت. اعتراض کنندگان خواستار آزادی بدون قید و شرط دستگیر شدگان شدند. در میان دستگیر شدگان تعداد زیادی از خانواده کشته شدگان و معلولین جنگ و خبرنگار هفته نامه سبحان وجود دارد.

(کیهان ۸ و ۹ فروردین رژیم نیز این خبر را انتشار داد)

وام ۳ میلیاردی ژاپن به رژیم ایران

هفته نامه «مید» نوشت که شش شرکت بزرگ ژاپنی در پی سفر گذشته خاتمی به ژاپن تصمیم دارند، یک وام ۳ میلیارد دلاری را در ۳ وعده به رژیم واگذار کنند. این شرکتها در ازای این وام ۳ میلیارد دلاری، نفت خام دریافت خواهند کرد. اولین بخش این وام تا پایان ۱۱ فروردین به ایران واگذار خواهد شد.

آخوندزاده میلیون دلاری

فرزندان یکی از مدیران ارکان کشور (احتمالاً هاشمی رفسنجانی است) دارای شرکتی است که سالانه ۷۰ میلیون دلار صادرات دارد. این در حالی است که بر پایه ارقام نماگرهای اقتصادی تعداد ۲۷۰۰۰۰ جوان ایرانی بیکارند. (مجله گزارش ۱۱۹ - پرانتر از ماست).

۵۰ درصد بودجه کشور هیلی هپول می شود!

آقای مزروعی می گوید: ۵۰ درصد بودجه کشور در اختیار نهادهایی قرار می گیرد که پاسخگو نیستند و نظارتی بر آنها اعمال نمی شود. یعنی از هر یک تومانی که در دستگاه دولت و توابع از کیسه ملت و بیت المال خرج می شود، ۵ ریال آن به مصارفی می رسد که احد الناسی از محل و چگونگی خرج شدنش آگاهی نمی یابد. به این می گویند یک دولت و دو بودجه. (مجله گزارش ۱۲۰ - ۱۲۱)

تفسیر هفته

رادیو روشنگران

تنظیم و تهیه: سمر همایونی، رنوا راسخ

قیام پر شکوه مردم لامرد

مردم شهر لامرد (در ۴۸۰ کیلومتری شهر شیراز در جنوب ایران) در روز سه شنبه ۷ فروردین در اعتراض به جایه جایی محل احداث پالایشگاه گاز «یارسیان» این شهر به بخش «مهر» (محل زادگاه وزیر کشور رژیم آخوندی) دست به یک قیام با شکوه زدند.

بعد از اینکه کارفرمایان شرکت جهان مهر در مناقصه احداث پالایشگاه در بخش مهر برنده شدند به همراه چندین نفر از کارشناسان وزارت نفت برای تحویل زمین احداث پروژه به لامرد سفر کردند. بدنبال این سفر بازار و تمام مراکز اصلی شهر اعتساب کردند و هزاران نفر از مردم این شهر در اعتراض به جایه جایی پالایشگاه به سمت فرمانداری شهر حرکت کرده تا با نمایندگان شرکت نفت و شرکت جهان مهر ملاقات کنند.

جمعیت انبوی شهر لامرد در مجاورات فرمانداری با نیروهای سرکوبگر انتظامی مواجه شدند که از گاز اشک آور و گلوله هوایی برای متفرق کردن آنها استفاده نمودند. مردم بعد از یک عقب نشینی، مجدداً به فرمانداری هجوم برداشت و توانستند به درون ساختمان راه یافته و تمامی عکسهاخانه‌ای، خاتمی، خمینی و تعداد زیادی از کتب مذهبی را به آتش بکشند.

سردمداران سرکوبگر لامرد که از این مساله به هراس افتاده بود با تماس به تهران و سایر شهرها سعی کردند تعدادی نیروی سرکوبگر واکنش سریع را از طریق هوایپما به منطقه اعزام دارند. این مساله قبل از تحقیق اش، بوسیله مردم کشف و جمعیت به خشم آمده که تعداد آنها هزاران تن گزارش شده به سمت فرودگاه این شهر حرکت کرده و در عرض مدت کوتاهی باندهای فرودگاه بین‌المللی لامرد بوسیله مردم اشغال شد. این